

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روش های کیف ملاکات احکام اسلامی

مؤلف:

محمود مهدی زاده جرجانی

بهین

انتشارات بوینا

عنوان و نام پدیدآور : روش‌های کشف ملاکات احکام اسلامی

مؤلف : محمود مهدی‌زاده جرجافی

سرشناسه: مهدی‌زاده جرجافی، محمود، ۱۳۵۵ - وضعیت فهرست نویسی: فیبا

مشتصات نشر : کرمان: بوتیا، ۱۳۹۷. مشتصات ظاهری: ۱۱۸ ص.

شماره کتابشناسی لی: ۵۱۷۶۶۵۱ - فلسفه - روش شناسی شابک: ۹-۹-۹۹۶۸۲-۹۹۶۰۰-۹۷۸

رده بندی کتابشناسی: ۵۱۷۶۶۵۱ رده بندی دیویی: ۳۰۱/۲۹۷

رده بندی کتاب: ۳۰۱/۲۹۷ BPI۶۹



انتشارات بهنام

کرمان: خیابان شهید مصطفی (ره) حدفاصل کوچه ۵۹ و ۶۱.

تلفن تماس: ۰۹۱۳۳۸۷۲۰۹۲

روش‌های کشف ملاکات احکام اسلامی

مؤلف: محمود مهدی‌زاده جرجافی

قیمت: ۱۸۰۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول / ۹۷

چاپ و صحافی: بوتیا

شابک: ۹-۹-۹۹۶۸۲-۹۹۶۰۰-۹۷۸

حق چاپ محفوظ است.

فهرست مطالب

فصل اول؛ مفهوم شناسی و پیشینه مطالعات	۱۷
بخش اول؛ مفهوم شناسی	۱۸
گفتار اول؛ مناط	۱۸
دفتار دوم؛ حکمت احکام	۱۹
گفتار سوم؛ قوت حکمت با علت	۲۰
گفتار چهارم؛ حکم اقسام آن	۲۱
مبحث اول؛ تعریف حکم	۲۱
مبحث دوم؛ تعریف حکم در اصصراح حران و معاصران	۲۳
مبحث سوم؛ بررسی تعریف متأخران	۲۴
مبحث چهارم؛ اقسام حکم	۲۸
گفتار پنجم؛ مصلحت و اقسام آن	۳۱
مبحث اول؛ دسته بندی مصلحت به لحاظ قوت یا مرتبه آن	۳۲
مبحث دوم؛ دسته بندی مصلحت به لحاظ مزاحمت یا عدم مزاحمت	۳۴
مبحث سوم؛ دسته بندی مصلحت به لحاظ سرای تحقق آن	۳۵

مبحث چهارم؛ دسته بندی مصلحت به لحاظ طرف آن ----- ۳۷

بخش دوم؛ پیشینه مطالعات ----- ۴۱

فصل دوم؛ نسبت و رابطه امکام با ملاکات ----- ۸۵

گفتار اول؛ اندیشه انکار و مبانی آن؛ ----- ۵۰

گفتار دوم؛ اندیشه اثبات و مبانی آن؛ ----- ۵۴

گفتار سوم؛ اندیشه تبیین احکام از مصالح و مفاسد واقعی ----- ۵۷

گفتار چهارم؛ ملاکات احکام و استکشاف آن ----- ۶۰

گفتار پنجم؛ دیدگاه عدم امکان فهم و برتری ادله آن ----- ۶۱

مبحث اول؛ مبنای عقلی و نقلی دیدگاه انکار؛ ----- ۶۲

گفتار ششم؛ دیدگاه امکان فهم و برخی ادله آن ----- ۶۳

مبحث اول؛ مبنای عقلی و نقلی دیدگاه امکان؛ ----- ۶۴

مبحث دوم؛ مبنای نقلی دیدگاه امکان؛ ----- ۶۶

فصل سوم؛ قلمرو استکشاف ملاک ----- ۷۱

گفتار اول؛ شیوه های استکشاف ملاکات احکام (حماضد شریعت) ----- ۷۶

۷۶ ----- مبحث اول؛ مبانی بحث

۷۹ ----- گفتار دوم؛ راههای کشف ملاک

۷۹ ----- مبحث اول؛ کشف از طریق نص

۸۰ ----- مبحث دوم؛ کشف از طریق غیر نص

۸۱ ----- گفتار سوم؛ بررسی و ارزیابی پاره‌های از طرق کشف ملاک

۸۱ ----- مبحث اول؛ نص

۸۴ ----- مبحث دوم؛ نهوه

۸۶ ----- مبحث سوم؛ دلالت اقتضا

۸۸ ----- مبحث چهارم؛ دلالت تنبیه

۸۹ ----- مبحث پنجم؛ دلالت اشاره

۹۰ ----- مبحث ششم؛ مناسبات حکم و موضوع

۹۲ ----- مبحث هفتم؛ عموم بدلیت

۹۳ ----- مبحث هشتم؛ وحدت طریق

۹۵ ----- مبحث نهم؛ دوران

۹۷ ----- مبحث دهم؛ تنقیح مناط

فصل چهارم: متون فقهی شیعه و ملاکات امکام-----۱۰۱

گفتار اول: اماریت بازار مسلمانان-----۱۰۲

گفتار دوم: خرید و فروش مال دیگری-----۱۰۳

گفتار سوم: ضمانت کالا-----۱۰۴

گفتار چهارم: زکات و ربا تیمم-----۱۰۵

گفتار پنجم: ازدواج، غیره، حائضه-----۱۰۶

گفتار ششم: اعضای جدا شده از بدن-----۱۰۷

گفتار هفتم: نماز بر منافق-----۱۰۸

نتیجه گیری:-----۱۰۹

منابع و مآخذ-----۱۱۰

درآمد

رسالت فقه، تنظیم زندگی دنیوی بر طبق اهداف دین و شریعت است، و این رسالت در صورتی تحقق می یابد که اهداف شریعت را بشناسیم و بتوانیم از یک سو مطابق با اهداف شریعت و از سوی دیگر مطابق با شیط و مقتضیات کنونی جامعه احکام را استنباط کنیم، بنابراین چاره ای نداریم جز آنکه بتوانیم به این پرسش پاسخ دهیم که آیا به اهداف احکام می توان دست یافت؟ زیرا اگر فلسفه اجتهاد پاسخ به پرسش های اصلی و رعی می باشد، باید در مبانی فقه اندیشید و اهداف و منافع احکام را نشان داد. همچنین بر اساس این مبانی باید به فکر ارائه نظریه هایی بود که بتواند شیوه تفسیر و تفسیر احکام و کارآیی و پویایی فقه را به خوبی نشان دهد.

یکی از این مبانی که تردید ناپذیر است و امکان جستجوی آن وجود دارد بهره گیری از عقل برای کاوشهای درونی متن است، مراد از عقل در اینجا، عقل از طریق متون دینی است و نه عقل مبتنی بر عقل، یعنی با مدد عقل مستند به نص می خواهیم مصالح و مقاصد این را بیابیم و ملاک حکم را به صورت کلی یا جزئی بیابیم و این روش دست یافتنی است. نکته مهم این است که از مشکلات جوامع دینی اجراءپذیر کردن احکام است که با تشخیص و معرفی مناسبات و ملاکات احکام و عرض آن به جوامع، رغبت به اجرای احکام زیاده تر می شود و از جهت دیگر بحث علت یابی احکام در شفاف کردن قلمرو دین و احکام تأثیر بسیاری دارد و حوزه دخالت شرع را در بیان قوانین عرفی و تجربه های بشری و برعکس، دخالت خرده های جمعی در شرع را مشخص می سازد و برای هر کدام مرز

روشنی تعیین می‌نماید. نتیجه این بحث‌ها آن است که هم از توقعات بیجای برخی از دینداران پیشگیری می‌کند تا گمان نکنند دین باید بطور حتم در زمینه‌هایی که در حوزه اش نیست دخالت کند و هم به طرفداران خرد جمعی و عرف می‌گوید، عقل تا چه حدی حق دخالت دارد. این دو مهم و مسائل چندی دیگر از مسیر آگاهی از شیوه‌های استکشاف ملاکات احکام و کشف و فهم این ملاکات میسر است.

در بررسی ملاکات احکام و جستجو برای دستیابی به نظریه‌های اساسی شریعت اسلامی از روش‌های فلسفه فقه می‌باشد. پرداختن به این مهم در گرو پذیرش این معناست که آیا اصولاً احکام شرع را می‌توان به مصلحت و مفسده متصف نمود؟ و آیا خداوند در جعل احکام مصالح و مفاسدی را در نظر داشته است؟ اگر چنین است، آیا می‌توان آن مصالح و مفاسد را بطور مشخص درک کرد تا بتوان آنها را در استنباط حکم دخیل داشت؟ بی تردید خداوند حکیم در جعل احکام شرعی اعم از تعبّدی و توصلی ملاکات و مناسباتی را منظور داشته است، اکنون در مقام استکشاف آن مناسبات باید گفت: در سلسله احکام و مازین تعبّدی دست یابی به ملاکات قطعی ممکن نیست، حداقل در این زمان، آنها را نمی‌شناسیم به خصوص در آنجا که بر اساس مصالح و مفاسد اخروی بنا شده باشند، مگر آنکه خود شرع راهنمایی نموده و عقل را هدایت و یاری نماید، مکن در امور غیر عبادی، عقل جایی برای دریافت ملاکات احکام در حکم غیر تأسیسی دارد، چون توقیفی نیست و پیش از اسلام مورد عمل بوده است.

در احکام تأسیسی غیر تعبدی که شناخت آنها بر بیان شارع متوقف نیست، حتی اگر شارع هم نمی‌گفت از روی عقل حسن و قبح آن را درک می‌توان نمود، بنابراین باز امکان شناخت ملاک هست و نیز در احکام تهقیفی و تأسیسی هم اگر ملاک بیان نشده باشد از مجموع کلمات شارع می‌توان به ملاک آن دست یافت به گونه‌ای که موجب اطمینان شود، اما در طریق شناخت ملاکات احکام، قواعد مضبوطی مانند، تنقیح مناط، الغای خد رصیه، تناسب میان حکم و موضوع وجود دارد که در صورت ظنی بودن، اگر از پشتوانه اعتباری از ناحیه شارع همراه باشد، مانند سایر ظنون معتبر به حساب می‌باشند. در این پژوهش ضمن مراجعه به منابع علمی مرتبط با روش علمی و ابزار استدلال، استنباط و استنتاج، تلاش داریم موارد مذکور را به تحلیل بکشیم.

هرکس که اندکی با شریعت آشنا باشد از آن فقهی‌اشناایی داشته باشد، با محدودیت عقل در درک همه مسائل برایش روشن است که هر حکمی از احکام اسلامی از سه حالت خارج نیست:

- ۱- یا برای جلب منفعت دنیایی و اخروی آنان است؛
- ۲- یا برای دفع فساد و پیشگیری از زیان‌های دنیوی و اخروی است؛
- ۳- یا برای رفع تنگناها و مشکلات انسان و آسان نمودن زندگی انسان است. این غایت، مرتبه‌ای بالاتر از دو حالت اول (جلب منفعت و دفع مفسدت) است.

به این ترتیب می توان اذعان نمود که مقاصد شریعت و ملاکات احکام به اجمال مشخص است. اما آیا احکام شرع را می توان به مصلحت و مفاسد قابل استنباط متصف نمود؟ آیا خداوند آنچه را واجب کرده به علت وجود مصلحت، برای انسان ها دست یافتنی نبوده است؟ آیا اگر درجعل احکام مصالح و مفاسدی در نظر بوده است، می توان آن مصالح و مفاسد را بطور مشخص درک کرد تا بتوان آنها را در استنباط حکم دخیل دانست؟

پس بردن یک سلسله احکام و موازین تعبدی هست که نمی توانیم ملاکات و مناسبات قطعی آنان را تعیین کرده و بشناسیم. حداقل در این زمان آنها را نمی شناسیم به خصوص در آنجا که بر اساس مصالح و مفاسد اخروی بنا شد. باشد حال این سؤال مطرح است که آیا این مسئله به سایر احکام و موازین شریعت به ویژه به مسائل اجتماعی همچون معاملات قابل تعمیم است و جستجو رباره ملاکات احکام و کشف آنها برای توسعه و تضییق حکم، کار باطل و بیهوده می باشد یا خیر؟ احکام شرعی دارای مصالح و مفاسد قابل دسترسی است و دستورات شارع به ویژه در امور غیر عبادی با راهنمایی خود شرع باری از عقل ملاکات قابل اتکایی دارد؟ آیا اگر پاسخ مثبت است راه ها و شیوه هایی قابل دفاع در جهت استکشاف ملاکات وجود دارد؟

بحث از مقاصد شریعت و کشف ملاکات احکام ضروری است و دلایل آن را می توان به ترتیب اینگونه شمارش نمود:

۱. شناخت اهداف و غایات فقه برای ارزش گذاری سیر و حرکت کلی فقه

۲. شناخت مقاصد فقه ارزش اجتهاد مجتهدین را بر اساس توجه آنان به اهداف و مقاصد فقه نشان می دهد.

۳. با شناخت دقیق اهداف شریعت بسیاری از تعارضات فقهی را می توان برطرف ساخت.

۴. با مشخص شدن مقاصد شریعت می توان قلمرو فقه را مشخص کرد.

۵. شناخت اهداف فقه، مایه استخراج قواعد و نظام های فقهی یاری می رساند.

۶. بررسی ملاکات، نوعی نگرش ریاضی به مباحث حقوق و احکام می دهد.

از جنبه های نوآوری در این پژوهش و اهداف کار در آن می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. تلاش برای شناخت اهداف و غایات فقه؛

۲. رفع تعارضات فقهی با تکیه بر اهداف کشف شده به عنوان یکی از معیارهای نقد اسناد و تشخیص دلالت در مقام جمع میان ادله؛

۳. مشخص نمودن قلمرو فقه (یعنی فقه تا چه جاهایی می تواند حضور داشته باشد و تا کجا مسئولیت و راهبرد دارد؟)؛

۴. کشف ظرفیت‌های ملاکات احکام در مسیر استنباط جهت دستیابی به حکم مسائل مستحدثه؛

۵. شناسایی ظرفیت‌های ملاکات به دلیل «حجت محوری فقه» از یک طرف و ای‌گویی این ظرفیت‌ها در درون‌مایه‌ها و لایه‌های زیرین معانی نهفته در نصوص قرآنی و روایی؛

۶. برای پویایی فقه و درمان مشکلات و حل معضلات جوامع دینی، البته با تکیه بر اصولی قانون‌مند مستند به دلیل شرعی؛

۷. به اثبات رساندن جایگاه علمی و جامعه‌ای دین به طور مبنایی و استدلالی.

امید است که این پژوهش بتواند گشاه‌ای از سؤالات محققین و دانشجویان محترم را پاسخ داده و برای خوانندگان گرامی مفید فایده قرار بگیرد.

محمود مهدی‌زاده جرجافکی

اردیبهشت ۱۳۹۷